ارتباط ناگسستنی امنیت اقتصادی با کارایی دولت

[دکتر سید محمد میر محمدی / استاد دانشگاه]

دولت به واسطه بهره مندی از مشروعیت سیاسی و قانونی، از امکانات بالقوه زیادی برای تأمین رشد اقتصادی و رفاه همگانی برخوردار است. حوزه دخالت دولت در اقتصاد چنان گسترده و مهم است که از تولید کالاهای عمومی گرفته (امنیت، آموزش، بهداشت و...) تا تدوین قوانین (قوانین مالیاتی، قانون تجارت، قوانین حمایت از حقوق مصرف کنندگان و...) را دربرمی گیرد. بنابراین اگر امنیت اقتصادی را چارچوبی بدانیم که در آن، هم فعالان اقتصادی در سطح خرد و هم اقتصاد ملی باید از هرگونه تهدیدی که حیات آنها را به گونه ای به خطر می اندازد، محفوظ باشند، آنگاه می توان گفت که کارایی و اثربخشی دولت با مفهوم امنیت اقتصادی یک ارتباط ناگسستنی دارد. تورم، بیکاری، نابرابری ثروت و درآمد، انحراف در توزیع منابع، بی ثباتی اقتصادی و کاهش اعتماد به دولت از جمله عواملی هستند که امنیت اقتصادی را به خطر انداخته و در عین حال با کارایی و اثربخشی دولت ارتباط مستقیم دارند. تحلیل های متداول اقتصاد سیاسی که تأثیر انگیزه های سیاستمداران بر تصمیمات اقتصادی را مورد بررسی قرار می دهند، به میزان زیادی با کارایی و اثربخشی در حوزه سیاستگذاری در ارتباط می باشند. به این صورت که هرچه تصمیمات در حوزه سیاستگذاری در راستای منافع بلندمدت ملی باشد و تحت تأثیر منافع فردی، گروهی و فکری خاصی قرار نداشته باشد، بالطبع سیاست های اتخاذ شده نیز از حداکثر کارایی برخوردار خواهند بود و امنیت همگان تأمین خواهد شد.

در کشورهایی که ارتباط بسیار زیادی بین سیاستمداران و چارچوب دیوان سالاری وجود دارد، ناکارآمدی سیاستمداران ممکن است بحران دیوان سالاری را تشدید کند. بنابراین اثرگذاری عدم کارایی دولت بر اقتصاد ملی و در نتیجه امنیت اقتصادی به مراتب بیشتر خواهد بود. بررسی های موجود در زمینه اقتصاد سیاسی کشورهای نفتخیز نشان می دهد که اتلاف منابع ثروت ملی که از وجود رانت، انحصار، بی ثباتی سیاست ها و عدم پایبندی به قوانین سرچشمه می گیرد با نادیده گرفتن عدالت بین نسلی، امنیت اقتصادی نسل های آینده را نیز به خطر می اندازد. از این رو، صرفنظر از وجود ریشه های تاریخی و سیاسی تأثیرگذار بر کارکرد دولت، بایستی ترتیبی اتخاذ شود که دولت به سمت افزایش کارایی و اثربخشی حرکت کند. برای این امر سه راهکار سیاستی را می توان پیشنهاد کرد که همگی با ماهیت دولت و حرکت به سوی دموکراسی اقتصادی ارتباط تنگاتنگی دارند.

۱- افزایش مردم سالاری اقتصادی
۲- افزایش کنترل و نظارت
۳- شفافیت در قوانین و مقررات

کمک به گسترش فعالیت های بخش خصوصی و فراهم آوردن امکان حضور کارآفرینان این بخش، واگذاری فعالیت های تصدی گرایانه دولت و وابستگی درآمدی دولت به بخش خصوصی در کنار ایجاد بسترهای قانونی مناسب، زمینه را برای تحقق مردم سالاری اقتصادی فراهم می کند. این امر نه تنها امنیت اقتصادی را تثبیت می کند بلکه دولت را مجبور می سازد تا برای تحکیم حاکمیت خود به حداکثر کارایی دست یابد. تحقق این مهم تنها با بکارگیری ابزارهایی نظیر کنترل و نظارت از یک سو و شفافیت در قوانین و مقررات دولت از سوی دیگر امکان پذیر است؛ زیرا تحت این شرایط میزان تمکین دولت از اراده های و منفعت همگانی بیش از پیش افزایش خواهد یافت.

ارزیابی کارایی و اثربخشی دولت در ایران

در سال های ابتدایی انقلاب اصولاً تفکر رایج در زمینه اداره امور اقتصادی بیشتر بر حاکمیت دولتی تأکید داشت و به این ترتیب بدون توجه به سرمایه گذاری بخش خصوصی، بیش از پیش به سرمایه گذاری بخش دولتی تأکید می شد و در کنار این نگرش، اصل ۴۴ قانون اساسی نیز به عنوان پشتوانه محکمی برای توسعه روزافزون مالکیت دولتی بر صنایع، تولید، تجارت و بانک ها عمل می کرد. بدین ترتیب در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به لحاظ گرایش به دولتی کردن اقتصاد، بخش دولتی به تدریج رو به گسترش نهاد به طوری که تعداد دستگاه های اجرایی کشور در مقایسه با سال ۱۳۵۷، بیش از سه برابر افزایش یافت. در همین مدت تعداد کارکنان دولت ۴ برابر گردید. گسترش بی رویه تشکیلات، پیامدهایی را به شرح ذیل به همراه داشت:

کاهش نقش و مشارکت مردم در توسعه
کاهش میزان حقوق و دستمزد کارگران که منجر به کاهش انگیزه خدمتی آنها شده است
افت کیفیت ارائه خدمات به دلیل نبود رقابت در بخش دولتی
کاهش مقبولیت دستگاه های اجرایی نزد مردم و خدمت گیرندگان
تغییر نسبت بودجه جاری و بودجه عمرانی و کاهش اعتبارات لازم برای تکمیل پروژه های عمرانی
افزایش سهم دولت از ظرفیت سطح اشتغال کشور
کاهش کنترل و نظارت وزرا بر موسسات وابسته و در نتیجه به مخاطره افتادن سلامت نظام اداری.

در کشورهایی که ارتباط بسیار زیادی بین سیاستمداران و چارچوب دیوان سالاری وجود دارد ناکارامدی سیاستمداران ممکن است بحران دیوان سالاری را تشدید کند

معیار کارایی دولت در عرصه سیاستگذاری را می توان کمک به رشد اقتصادی و دستیابی به اهداف تعیین شده دانست.

سیاست های دولت در سطح کلان اصولاً به دو دسته سیاست های پولی و سیاست های مالی تقسیم می شود. در بخش سیاست های مالی دولت که اغلب عملکرد آن با کارکرد بودجه سنجیده می شود، هنوز نقایص فراوانی وجود دارد. ساختار بودجه دولت به علت وابستگی به منابع مالی بی ثبات، بسیار نوسان پذیر است به طوری که وابستگی به فروش دارایی های دولتی و استخراج ثروت های زیرزمینی و عدم موفقیت در تحقق درآمدهای مالیاتی به همراه گسترش اقتصاد زیرزمینی از یک سو و انعطاف ناپذیری مخارج و هزینه های بودجه ای دولت از سوی دیگر سبب شده است که کسری بودجه به جزء جدایی ناپذیر از سیاست های مالی اقتصاد ایران تبدیل شود. تأمین مالی کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی باعث شده است که در غیاب استقلال این بانک، سیاست های پولی تابعی از سیاست های مالی باشد و بر همین اساس تورم و در نهایت افزایش نابرابری درآمدی بین طبقات فقیر و غنی همچنان ادامه یابد.

در مباحث مالی، سند بودجه به منزله برنامه تخصیص منابع مالی دولت برای بخش های مختلف اقتصادی است. سندهای سالانه بودجه علاوه بر اینکه نشان دهنده نقش آفرینی دولت ها در اقتصاد می باشند، تا حد زیادی کارایی دولت را نیز منعکس می کنند. دولت ها با تنظیم جریان منابع و مصارف بودجه ای می توانند بر گردش مالی در کل اقتصاد اثر بگذارند. هر قدر که فرایند تنظیم بودجه در جهت بهبود ساختار و عملکرد اقتصاد ملی شکل گرفته باشد، می توان انتظار داشت که علاوه بر ثبات اقتصاد کلان، رشد اقتصادی نیز از وضعیت بهتری برخوردار شود. حجم طرح های عمرانی نیمه تمام که اغلب با تغییر در مدیریت های سیاسی رو به فزونی می گذارد، نشان می دهد که در فرآیند چانه زنی بین مدیران سیاسی و کارشناسان، همچنان توجیه فنی و اقتصادی طرح ها در حاشیه قرار گرفته است. اتصال منابع این طرح ها به منابع بی ثبات درآمدهای نفتی نیز در نادیده گرفتن معیارهای فنی بی تأثیر نبوده است. همه این موارد نشان می دهند که ساختار هزینه و درآمد بودجه به عنوان سند سیاست مالی دولت با مشکلات زیادی همراه است.

نگاهی به منابع درآمدی در بودجه دولت نشان می دهد که این منابع با ساختار مطلوب توسعه سازگار نمی باشند. معمولاً وقتی بودجه براساس روندهای اقتصاد ملی شکل می گیرد منابع بودجه هم باید از مجموعه فعالیت های اقتصادی سرچشمه بگیرند. فروش ثروت، فروش دارایی، وام گیری به شکل های مختلف، تضعیف ارزش پول ملی در غیاب انگیزه اصلاح ساختار مبادلات خارجی و ابزارهایی از این قبیل، در نهایت ممکن است منابع بودجه ای را افزایش دهد ولی نه می تواند به پایداری تعادل بودجه بینجامد و نه قادر است در راه اصلاح ساختار اقتصاد ملی گام بردارد.

در بعد سیاست های توزیعی و پرداخت های انتقالی دولت هم مشکلات زیادی وجود دارد، به طوری که یارانه های پرداختی از کارایی لازم برخوردار نیستند. نظام فعلی اعطای یارانه قادر به انجام رسالت واقعی خود که همانا پرداخت به افراد نیازمند و مستحق است، نبوده و سازوکار قیمت ها را مختل نموده است. شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می دهد میزان هدفمندی نظام موجود بسیار پائین است و از طرفی در بخش هایی چون گندم (آرد) دولت در عمل درگیر توزیع کالایی شده است که هزینه های اجرایی آن بالا است. به لحاظ اجرایی، علاوه بر وزارت بازرگانی که متولی توزیع یارانه کالاهای اساسی بوده و نزدیک به ۳۷ درصد منابع مالی حمایتی را توزیع می کند، حداقل ۱۴ دستگاه اجرایی دیگر درگیر امر حمایت هستند و وظیفه توزیع ۴۳ درصد منابع مالی حمایتی را بر عهده دارند. بنابراین در کنار فقدان یک ساختار منسجم در عرصه سیاستگذاری کلان برای انتخاب شیوه مناسب اعطای پرداخت های انتقالی آشکار و پنهان باید گفت که به واسطه گستردگی بوروکراسی در این بخش می توان انتظار داشت که تداخل وظایف و ناهماهنگی در انجام امور محوله باعث عدم کارایی در کارکرد اصلی سیاست های یارانه ای گردد. مطالعات نشان می دهند که منابع درآمدی دولت اثرات متفاوتی بر توزیع درآمدها دارند؛ به این صورت که درآمدهای نفتی و پرداخت های انتقالی اثرات منفی بر توزیع درآمدها داشته اند. این امر نشان می دهد که نحوه توزیع درآمدهای نفتی به گونه ای است که در دسترس همگان قرار ندارد و دیوان سالاران متناسب با نزدیکی به دستگاه دیوانی نسبت به شاغلان در بخش های دیگر نظیر کشاورزی از منافع مستقیم آن بهره بیشتری می برند. در مورد یارانه ها هم همین شرایط برقرار است به نحوی که اعطای یارانه ها به همه دهک های درآمدی، فاصله دهک های بالا و پایین را به جای کاهش، افزایش داده است. لذا این سیاست ها در برخی موارد نظیر بنزین نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه مشکلات دیگری را به وجود می آورد که اغلب ابعاد آن همه کشور را دربرمی گیرد.

در بخش سیاست های پولی، مطالعات تجربی در مورد اثر سیاست های پولی و مبادله بین قیمت و تولید نشان می دهد که به احتمال قوی افزایش پول مازاد، اثرات حقیقی اندکی داشته و بی ثباتی اقتصادی را تشدید خواهد کرد. در مطالعه دیگری که توسط ختایی و دانش جعفری (۱۳۸۱) صورت گرفته، این نتیجه به دست آمده است که تکانه مثبت حجم پول منجر به افزایش جزئی در تولید می شود. همچنین این تکانه ها در دوره های ابتدایی، افزایش سطح قیمت را به دنبال دارند در حالی که در دوره های بعدی از میزان اثرگذاری پول کاسته می شود.

ادامه دارد

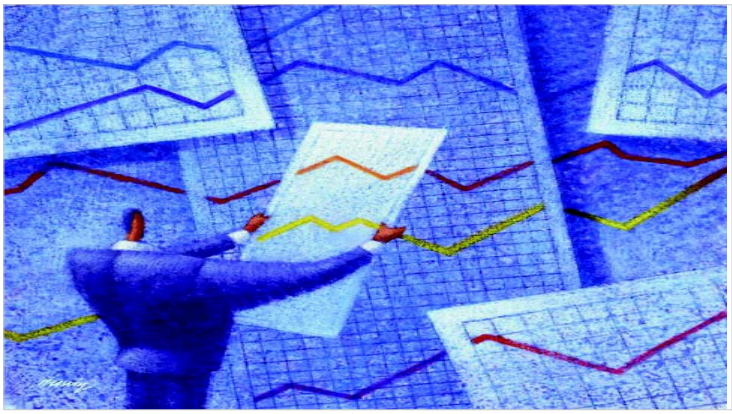

وقوع تغییرات در اقتصاد بین الملل

[مترجم: اسد شکورپور]

وقوع بحران های اقتصادی مسئله جدیدی نیست و عمدتاً تمام کشورها با چنین بحران هایی مواجه شده اند. عملکرد نامناسب بخش های عمومی و خصوصی باعث ایجاد بحران می شود که قربانی این مسئله شهروندان عادی اند. برای مثال در دهه ۹۰ انگیزه سرمایه گذاری برای بخش خصوصی در شرق آسیا وجود نداشت که این امر باعث خسارت های زیادی شد و اموال زیادی از این منطقه به علت بحران موجود خارج شد. اگرچه آمارهای کامل و صحیح و پژوهش های علمی از زمان های دور درباره بحران های رخ داده وجود ندارد، اما این امر به منزله عدم وقوع بحران در زمان های گذشته نیست. هر زمان این انتظار وجود دارد که بحران هایی همچون بحران گندم امریکا در سال ۱۹۲۹، بحران ۱۹۹۲ اروپا، بحران غافلگیر کننده دهه نود شرق آسیا، بحران ۱۹۹۴ مکزیک و بحران املاک سال گذشته آمریکا به وقوع بپیوندد. وقوع بحران های اقتصادی فقط به بخش مادی مربوط نمی شود، بلکه ابعاد روانی، انسانی و اجتماعی را نیز در بر می گیرد. اگرچه امکان دارد شروع بحران ها هیچ ارتباطی با بانک ها نداشته باشد، اما به علت اهمیت و نقش مهم بانک ها به طور قطع و یقین این بخش تحت تأثیر قرار می گیرد. با آغاز دهه هشتاد تعداد کشورهایی که از بحران بانکی رنج می بردند روز به روز افزایش یافت، به طوری که در سال ۱۹۸۰، ۷ دولت، ۱۹۸۸، ۱۰ دولت و در سال ۱۹۹۵، ۱۲ دولت با بحران های بانکی مواجه شدند و تعداد این بحران ها پس از دخالت مؤسسه های بین المللی کاهش یافت. دولت ها نیز مجبور شدند تا اقداماتی برای کاهش بحران های بانکی انجام دهند که از جمله می توان به اجرای معیارهای بین المللی بانکی، تشدید نظارت های رسمی و تشویق سرمایه گذاری ها اشاره کرد.

البته انجام اقدامات فوق بدین معنا نیست که کشورهای فوق دیگر اصلاً شاهد بحران مالی و یا بانکی در اقتصادشان نشدند، بلکه سیاست های فوق در راستای کاهش احتمال وقوع بحران ها انجام شد. تردیدی وجود ندارد که نوع سیاست های اقتصادی، مالی و پولی می توانند نقش غیرقابل انکاری در مقابله با وقوع بحران ها داشته باشند و یا این که در صورت وقوع بحران، خسارت ها کاهش یابد.

اکنون اقتصاد جهان با سه متغیر اساسی مواجه است؛ اول: درگیری آرام میان کشورهای صنعتی قدیم و کشورهای با اقتصاد نوپا مثل چین و هند. درحالی که کشورهای غربی و ژاپن با کندی رشد اقتصاد مواجه اند، برخی از کشورهای آسیایی میانگین رشد ۱۰ درصد را به ثبت می رسانند. تفاوت بالای میانگین رشد اقتصادی میان اقتصادهای نوپا و صنعتی باعث می شود تا سطح رفاه اجتماعی آنها به هم نزدیک شود و نقشه اقتصادی جهان تغییر یابد، این مسئله ای است که نگرانی کشورهای غربی را برانگیخته است. افزایش قیمت نفت و به تبع آن افزایش درآمدهای نفتی کشورهای تولید کننده نفت باعث شد تا کشورهای صنعتی احساس کنند تغییرات زیادی در موازین قدرت های ملی رخ می دهد و بر توازن سیاسی بین المللی تأثیر می گذارد.

تغییر دوم در اقتصاد جهان عبارت است از تغییر در سیاست های پولی آمریکا که در راستای دوری از رکود اقتصادی انجام می شود. آمریکا در این راستا چندین بار به کاهش سود بانک ها مبادرت ورزیده است. کاهش سود بانکی آمریکا باعث می شود تا ارزش دلار پائین آمده و صادرات آمریکا افزایش و واردات کاهش یابد، اما تورم در سطح داخلی این کشور بیشتر شود، اما سؤالی که اکنون در سطح جامعه آمریکا مطرح می شود، این است که آیا تورم بهتر است یا رکود اقتصادی؟

اما مسئله سومی که اقتصاد جهان اکنون با آن روبه روست، بحران املاک آمریکا است که این مسئله بر وام های جدید بانکی و حمایت مالی از سرمایه گذاری های بخش خصوصی تأثیر منفی می گذارد. اگر مسائلی همچون افزایش قیمت نفت و مواد غذایی را به مسئله فوق اضافه کنیم، دلایل رکود و تورم در اقتصاد آمریکا را بهتر می توان درک کرد. بحران املاک در آمریکا بر اعتماد سرمایه گذاران به اقتصاد این کشور تأثیر منفی گذاشت و همچنین بازارهای اروپایی خصوصاً انگلیس و حتی جهان را تحت تأثیر قرار داد.

منبع: سازمان اقتصادی امارات

گفت‌وگو با کارآفرین برتر ایرانی

آب رفته، به جوی بازمی گردد

دکتر نجی الله حجازی کارآفرین ایرانی و مبتکر سیستم تصفیه بی هوازی است. در پاسخ به فراخوان رئیس جمهور در خصوص مدیریت مصرف آب، گفت وگویی با وی انجام داده ایم تا در آن، نقش این سیستم را بویژه در مدیریت آب و فاضلاب روستایی بررسی کنیم. آنچه می خوانید حاصل این گفت وگوی دو ساعته است که در محل مؤسسه «ایران» انجام شده است.

[مرتضی گلپور]

آقای دکتر، با توجه به این که بحث مدیریت مصرف آب به دلیل خشکسالی های اخیر جدی شده است و عنوان کارآفرینی جنابعالی هم در ارتباط با این موضوع قرار دارد، برای شروع ابتدا عنوان کارآفرینی خود را تشریح کنید و این که اساساً تصفیه هوازی چیست؟

از آنجا که انسان آلاینده و مخرب محیط زیست است، خداوند دو باکتری هوازی و بی هوازی را به او هدیه کرده است. باکتری هوازی همین تصفیه خانه های موجود است. انسان ها برای شناخت باکتری بی هوازی تحقیقات چندانی نداشته اند. به لطف خدا ما توانستیم آن را بطور صنعتی در کشور طراحی و تولید کنیم. اساس کار تصفیه بی هوازی بر باکتری بی هوازی استوار است و این باکتری در صورت فراهم کردن محیط زیست برای آن، توانایی تصفیه هر نوع فاضلابی، اعم از صنعتی و انسانی را دارد که خروجی آن آب و اوره است و گاز.

مزیت های این سیستم چیست و چه تفاوتی با تصفیه هوازی دارد؟

برای این سیستم هوازی موجود ما نیاز به کانال کشی ها و حفر مجاری فاضلاب برای انتقال آن داریم که علاوه بر خطرات آن هزینه های بسیار زیادی دارد. خود سیستم و ابزار آلات آن هم نیازمند مراقبت دائم است.

اما تصفیه بی هوازی، فاضلاب را در مبدأ تولید آن تصفیه می کند و نیاز به کانال کشی و غیره ندارد. در عین حال که سیستم بی هوازی یک سیستم مکانیکال نیست، بلکه یک سیستم شیمیایی است، یک محفظه است که عمل فرآوری و بازیافت در آن انجام می شود و حجم بسیار کمی دارد. نکته دیگر همانطور که گفتم خروجی این سیستم است که آب و اوره است و گاز. در صورتی که در تصفیه هوازی فقط آب بدست می آید. الآن برای مقاصد کشاورزی، کشور هزینه های زیادی هم برای تولید و هم وارد کردن اوره به کشور انجام می دهد که مضرات استفاده از کود و اوره شیمیایی مشهود است. در صورتی که اوره طبیعی برای کشاورزی بسیار مفید است. از سوی دیگر همین زمستان امسال ما با مشکل کمبود گاز مواجه بودیم. در این سیستم محفظه هایی وجود دارد که گاز حاصل از عمل تصفیه را در خود ذخیره می کند و این گاز برای مصارف خانگی بسیار مفید است.

چه ضرورت هایی برای استفاده از این سیستم وجود دارد؟

اولین جایی که می توانیم از این سیستم استفاده کنیم و آنجا را خودکفا کنیم، روستاهای ما هستند. در روستا ها نباید شرایط به گونه ای باشد که یک روستایی از آب شرب خود برای کشاورزی استفاده کند و باید از آب بازیافت شده استفاده کند. زیرا در مصارف کشاورزی ما نیازمند اوره هستیم و این اوره به طور خودکار در سیستم فاضلابی وجود دارد. اولین اتفاقی که پس از استفاده از این سیستم می افتد این است که دیگر نیازی به وارد کردن اوره نداریم. در واقع ما می توانیم بازوی توانمند دولت در سال خشکسالی باشیم. ما می توانیم با این سیستم تصفیه سفره های روستاها را پر آب کنیم.

در روستاهای ما متأسفانه به دلیل نبود سیستم فاضلاب، آب استفاده شده در لباس شویی و ظرف شویی و غیره به رودخانه می ریزد، آیا این سیستم این آبها را می تواند تصفیه کند؟

دقیقاً. سیستم های اسیدی هم در این روش و توسط آنزیم بدن باکتری تصفیه می شود که گاز متان حاصل همین عملیات شیمی کال است. درست مثل آنزیم بدن ما. من اصلاً اعتقادی به فاضلاب ندارم. من می گویم «فضل آب»، یعنی آبی که این همه به ما عنایت می کند و محصولات ما را بالا می برد را نمی شود گفت «فاضلاب»، این «فضل آب» است. در واقع ۹۹/۹ درصد فاضلاب را آب تشکیل می دهد و یک درصد آن فاضلاب واقعی است. این نعمتی است که خداوند به ما داده و ما باید از آن استفاده کنیم.

هزینه این سیستم چقدر است؟ به نظر می رسد که با توجه به مزیت های آن مثل گاز، هزینه بالا یی داشته باشد؟

طراحی این سیستم به ظاهر شبیه همان چاه های سنتی است، اما درون آن ۱۷ قطعه فنی مهندسی را به کار بردیم تا میدان امنی باشد برای باکتری بی هوازی. این سیستم مکانیکال نیست که ممکن است خراب شود و روستایی ما دچار بحران شود. این شبیه همان چاه سنتی است، منتها آنچه ما در این سیستم داریم فیزیکی و بیولوژیکی است مثل درختی که در روستا می کارید، می بینید که سالیان سال می توانید از این درخت استفاده کنید. این سیستم هم اینگونه است و تا سه یا چهار نسل قابل استفاده است و اصلاً نیازی به تخلیه لجن ندارد. متأسفانه امروز فاضلاب روستایی و چاه آب آن در کنار یکدیگر قرار دارند که بسیار خطرناک است، فاضلاب به فاصله ۳۰ متر در عرض و ۶۰ متر در عمق آب را آلوده می کند. فاضلاب حتی از چاه های سیمانی هم نشت می کند و به سفره زیرزمینی می رود.

نحوه استفاده از این سیستم چگونه است؟

همانگونه که در هر خانه روستایی یک چاه فاضلاب وجود دارد، دقیقاً ما می توانیم جایگزین آن چاه سنتی، از این دستگاه استفاده کنیم، یعنی به جای چاه سنتی، ما این دستگاه پیش ساخته را می دهیم و شما در همان مکان نصب می کنید، مثلاً اگر در سال جدید هزینه یک چاه سنتی ۵۰۰ هزار تومان باشد، هزینه این دستگاه نیز همان مقدار است.

تجربه ای هم در استفاده از این سیستم در مقیاس وسیع داشته اید؟

مجتمع مسکونی بقیة الله(عج). بنا بود که برای کارکنان بیمارستان ۱۸۰ واحد ساختمان بسازند، گویا پائین دست آن چاه آب شرب تهران قرار داشت. به همین دلیل به این ساختمان مجوز داده نمی شد. دوستان از طریق وزارت صنایع ما را شناسایی کردند و ما برای ۱۸۰ واحد، ۱۸۰ متر مکعب از این سیستم را استفاده کردیم که همه زیر زمین قرار گرفته اند، در واقع ۱۸ دستگاه ۱۰ متر مکعبی که الآن روی آن چمن کاشته شده. این سیستم تحت هیچ عنوان فضای روی زمین را اشغال نمی کند.

آیا تجربه استفاده از گاز این سیستم در کشور وجود دارد؟

خیر، چون قیمت گاز در کشور پائین است و نیازی نسبت به این گاز احساس نمی شود، علاوه بر آن هزینه اضافه تری نسبت به خود دستگاه اصلی دارد. در مجموع تعبیه سیستمی برای استفاده از گاز آن، ۳۰۰ هزار تومان علاوه بر هزینه اصلی هزینه دارد.

برای اجرایی کردن این سیستم در سطح ملی دولت چه اقداماتی می تواند انجام دهد؟

اولاً این طرح نیاز به اعتبار هزینه ای ندارد و هزینه آن پروژه ای است. مثلاً در یک پروژه یک میلیارد تومانی می توان ۳۰ میلیون تومان آن را به تعبیه این سیستم اختصاص داد. اما در بخش مسکن نیازمند مصوبه ای هستیم که اجازه ساخت فاضلاب سنتی را ندهد و این بیشترین توقع ما از دولت است. الآن در دنیا پایان کار ساختمان را نمی دهند مگر آن که به سیستم تصفیه فاضلاب مجهز باشد. البته به خدمت آقای رئیس جمهور رسیدم و ایشان با فناوری بنده آشنا شدند، ایشان به جد علاقه مند بودند و حتی به آقای دکتر داوودی دستور دادند که در جلسه هیأت وزیران به عنوان یک گزینه برای روستاهای ما مطرح شود. ایشان حرف ما را شنیدند و مستندات علمی ما را دیدند. امیدواریم که این تحولی بشود برای کشور و همه دست به دست هم بدهیم و کشورمان را از خشکسالی نجات دهیم.

این سیستم چه تأثیری می تواند در اشتغال زایی کشور داشته باشد؟

اگر به صورت ملی دربیاید برای یک گروه ۳۰ هزار نفری اشتغال ایجاد می کند. چرا که در تمام مراکز استان ها نیازمند متخصصین برای حمایت از این سیستم هستیم و این نمی شود مگر این که اینها را در مراکز فنی و حرفه ای آموزش دهیم.

آقای دکتر، رابطه شما با این باکتری چگونه است؟

دقیقاً با من دوست است (می خندد). رابطه دوستانه با هم داریم. من برای ساختن جایگاه آن در کارخانه تعصبات خاصی به خرج می دهم، به کارگران خود می گویم این خانه خانه ای است که من می خواهم در آن زندگی کنم و شما کاملاً باید این خانه را یک سیستم منظم و مرتبی درست کنید که اشکالی برای باکتری ها به وجود نیاید. به هر حال کشور عزیز ما ایران کشور کم آبی است. اینگونه نباید باشد که سدهای ما مملو از آب باشد و این آب فقط برای یک بار استفاده شود. این آب باید دوباره بازیافت شود.